

کارگران! زحمتکشان! هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی و مترقی! برای تقویت هرچه بیشتر صف نیروهای خلق از کاندیداهای ماپشتیبانی کنید!

کارگران و زحمتکشان! هموطنان مبارز!

مردم و بریدن انقلاب فروریزند. آری، زندگینامه این رفقا خود به تنهایی میتوانند بسیاری حقایق را روشن نماید. می توانند افشاگرانه هیت بسیاری از کسانی که با شبکه بروج مبارزات مردم سوار شدند و سواران خام هم کشتی ترین خیانت ها و ضربات را بر همین انقلاب زدند. آیا می توان گفت این ضربات و خیانت های بعد از قیام ارتباطی با آن خانه نشینی ها، "مهاجرت" ها، خارجه نشینی ها و خیانت های گذشته آنان نداشته است؟ خیر. اینها دقیقا دو روی یک سکه هستند. انقلاب را فقط انقلابیون راستین می توانند رهبری کنند. این قانون بی جوش و چراغ انقلاب است. هر زمان که سرنوشت و رهبری انقلاب بدست بازرگانان - ها، بزدی ها، قطب زاده ها، چمران ها، بنی صدر - ها، صاعغان ها و لیست طول و درازی از کسانی که یک عمر با بخت و ذلت تن دادند و با قرار به خارجه را برقرار ترخیز دادند و به مبارزه مردم پشت نمودند. آنوقت نتایجش همین می شود که در این یکسال شاهد بودیم. بی جهت و تصادفی هم نبود و نیست در حالیکه تنها یکسال از قیام عظیم و شکوهمند خلقهای قهرمانان - ما می گذرد مردم با احساس می کنند که کلاه نزرگی بر سرشان رفته و غیر از افراد بسیار معدودی که در این سیستم به اعتبار گذشته آنها، به این سیستم حیثیت می دهند، اکثریت نزدیک به اتفاق آن ها مشتاقی حامی امپریالیسم و لیبرال مرتجع و شاید، کاسیکاریسی هستند. ولی خلقی که قیام را از سر گذراند، انقلابیون - نی که در بدترین شرایط دیکتاتور می مبارزه نمودند محال است به بورژواهای نوساز و فرصت طلب و خائنینی که انقلاب را به بیست کسان دادند محال دهند که براهی نتوانند برگردند مردم حکومت کنند. آنها دیرباز و در این فرصت طلبان و مرتجعین نوساز را به جایگاه تاریخی خویش خواهند فرستاد. کما - اینکه تا همین امروز نیز به مدافعا کربها و فعالیت - های انقلابی انقلابیون و بخصوص کمونیستها، پسته بسیاری از این شیادان بر روی آب افتاده است. و خواهیم دید که چگونه بنیه نیز یکی بعد از دیگری تکیفشان روشن می شود!

اینک با این توضیح به معرفی کاندیداهای خود میپردازیم و از کلیه کارگران و زحمتکشان و هموطنان مبارز و آزادیخواهان و نیروهای انقلابی و مترقی میخواهیم که برای تقویت هرچه بیشتر صف نیروهای خلق از کاندیداهای سازمان ماپشتیبانی کنند.

که کسانی که امروز خود را "انقلابی" و "حامی مستضعفین" معرفی می کنند در گذشته و در زمان شاه چه می کردند؟ آیا طرفدار قانون اساسی بوده اند؟ آیا خارجه نشین و فرصت طلب بوده اند؟ آیا فقط به خواندن نماز جماعت در مساجد و آهسته رفتن و آهسته آمدن مشغول بوده اند؟ و یا برعکس در گذشته با تمام وجود و فداکاری علیه نظام سلطنتی، علیه امپریالیسم و علیه استعمار و سیستم طبقاتی بیکار کرده اند؟ آری کاندیدی که شما انتخاب می کنید با بستی مبارز و انقلابی بیکار در زمان شاه، و همواره وفادار به زحمتکشان باشد. برای این است که ما کاندیداهای خود را بشما معرفی می کنیم. ما سواست مبارزاتی آنها و رنجها و مصائبی را که آنان در طی سالها در از در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم متحمل گشته اند برایتان بازگو می کنیم. نه برای کاسیکاری و سوداگری، نه برای منت گذاشتن بزرگی، نه! برای اینکه به شما نشان دهیم که چه کسانی در راه

کاندیداهای زحمتکشان بایستی مبارز و انقلابی در زمان شاه و همواره وفادار به آنها باشند

مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه و بیخاطرهای کارگران از قید استثنای رفاقتها و فداکارانه حاضر بودند پای جان پیش روند. و چه کسانی در همین سالها ما نندموش درسوراها پیش خیزه بودند. آری لازم است و بسیار لازم است که زندگی نامهای چنین رفقا را دهها بار و دهها بار به شما نشان دهیم تا فرصت طلبان و ملیوچیتان، خائنین خلق، بورژواهای حریص و درکمین و کسانیکه مثل موش در این سالها درسوراها پیش خیزه بودند، افتاد و رسوا شوند. آنها به سوراها پیش خیزه بودند تا در فرصت مناسب برگردند، خلق و بروج مبارزات آنها سوار شوند و زهر سازشکاری و خیانت خودشان را بر حرکت

اینک در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی قرار گرفته ایم. انتخاباتی که برای زحمتکشان یک معنا و برای سرمایه داران و زمین داران بزرگ و زالمومت و برای تجار و ثروتمندان معنای دیگری دارند. کارگران و دیگر زحمتکشان در این انتخابات شرکت می کنند تا بلکه به برخی از خواسته های خود در زمینه استقلال، رفاه و آزادی برسند. آنان نماینده خود را برای این انتخاب می کنند که تا چه حد برای آنها دلسوز است تا چه حد دردها و رنجهای آنان را درک می کند، انتخاب می کنند. اما سرمایه داران چگونه زمین داران چگونه؟ و تا چه حد ثروتمندان چگونه به انتخابات می نگرند؟ آنها به استعمار بیشتر، غارت بیشتر و بهره کشی بیشتر فکری می کنند. و نمایندگان خود را نیز بر همین اساس انتخاب می کنند. آنها کسانی را به نمایندگی انتخاب می کنند که سود و قدرت بیشتر را برای آنها تضمین کند. آنها دنبال کسانی می روند که "نظم" و "امنیت" مورد نظر آنها را برقرار سازد. نظم و امنیت که بیگانه است و فقط به سود سرمایه داران و تجار تمام می شود. نه بضع زحمتکشان. اما آیا نمایندگان سرمایه داران و زمین داران در کوچ و بازاریاری می زندند که ما بسیاری خدمت به سرمایه داران و برای تضمین بیشتر غارت و استثمار گران به مجلس می رویم؟ آیا آنها به زحمتکشان می گویند که ما برای پایداری کردن حقوق شما به مجلس می رویم؟ هرگز! آنها اینقدر احمق نیستند آنها خوب می دانند که اکثریت مردم ما معرکه کارگران و زحمتکشان تشکیل می دهند، بنا بر این به رای آنها رأی نزنند. پس با حرف های خوش آب و رنگ و با حیل و نیرنگ آنان را می فریبند، آنها خود را بقول خودشان حامی "مستضعفین" معرفی میکنند در حالیکه با خود کارخانه داران زمین دار هستند و با خدمتگزاران و نماینده آنها. آنها بخصوص دم از اسلام می زنند تا از احساسات مردم سوء استفاده کنند. در حالیکه زحمتکشان خود در همین یکسال اخیر شاهد بودند که چه چهره های مقدس مآب که سبای آنها بر همه معلوم نگردید. بنا بر این کارگران و زحمتکشان! شما که در همین یکسال گذشته شاهد کردار و عمل بسیاری از حرفان و پیرگوهای تیرنگ با زخائنین لیبرال گرفته تا خرده بورژواهای مرفه بوده اید هرگز نباید صرف حرف بظا هر خوب به کسی اعتماد نکنید. در این میان یکی از معیارهای شما بایستی سوابق کاندیداهای در دوران شاه باشد. لازم است همه بدانند

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



۱- رفیق علیرضا سپاسی آشتیانی

رفیق در سال ۱۳۲۳ در آشتیان در خانواده‌ای متوسط متولد شد. سنن کودکی ونوجوانی رادرهانا گذراند ودر سن ۱۵ سالگی به تهران آمد. در رابطه ناجوسایی-مذهبی خانوادگی سرعت وارد مسائل سیاسی شده ونسبت به مبارزات سیاسی وفردرزمینی عشق ونورفروانی نشان میدهد. در سالهای ۴۲ - ۳۹ که مبارزات نوده‌ها علیه امپریالیسم ورژیم راجایی شاه رخدداوج سویتی یافته بود. دورانی است که رفیق با امورا اجتماعی وسیاسی جامعه بیشتر آشنا شده وبه این مبارزات کسیده میشود. این مبارزات بوده‌ای که در آن موقع عمدتاً حول شرکت درسخرانی-ها ومحافل سیاسی مذهبی و شرکت در تظاهرات خیابانی و میتینگ‌ها دور میزد. رفیق را که در آن موقع فردی مذهبی بود بر آن داشت که در جستجوی برداشتهای مبارزه جویانه از مذهب رفته واز این پس تبدیل به یک مذهبی متعهد وسیاسی شود. در همین دوره است که او به اختلافات فاحش طبقاتی جامعه ونکیست و بدبختی میلیونها نوده زحمتکش تحت ستم جامعه و نیرویی چیزی آنان وهمینطور چهره-گیره رژیم تبعه-کاروفاپشگرشایی برده واین مسئله تنش با رزی در شکل گیری روحیه و طرز تفکر ضد طبقاتی وفداستیماری او بحای می گذارد. او در او خرابین دوره هدف اصلی زندگی خویش را با زیافته وبه مبارزه انقلابی بسا رژیم شاه بعنوان یک تعهد انقلابی ومذهبی وبعنوان یک امر مقدس فکر میکند. او به دانشگاه فکرمی کند و به مبارزات آن. اوقبل از ورود به دانشگاه ودر بدو آن قبل از آنکه بخود دانشگاه فکرمیاید. به مبارزات پرشوری که در آن جریان دارد فکرمی کند. شور و شوق مبارزات دانشجویان در آن زمان رفیق را همانند بسیاری از هموطنان مبارز ما که دانشگاه و دانشجویان انقلابی را سنگر شکست ناپذیر مبارزات خلق می دانستند. بستایش وامیداشت وآرزو میکرد که بتواند خود در این سنگر قرار بگیرد و گرفت. رفیق پس از قبول شدن در رشته معادری دانشکده هنرهای زیبای دانشکده تهران. امکانات مناسبی برای مبارزه بدست آورد و در سال ۵۰ هنگامیکه در سال ششم

بعماری بود. زندگی مخفی را آغاز نمود. با سرکوب قیام ۱۵ خرداد دیکتاتور دیگر مبارزات پرشور و خلق سرکوب شد. امپریالیسم را دیگر چنگ و دندان نشان داد و رژیم وابسته شاه دوباره حاکمیت مطلق خویش را باز یافت. وچکمه پوتان شاه بر مردم مسلط گردیدند. حالت شکست ونامیدی بر چهره نوده‌ها ظاهر گشت. رفیق در دوره بعد از قیام ۱۵ خرداد که خود فعلاً لانه در آن شرکت داشت هم مانند بسیاری به ناکافی بودن مبارزات غیر مسلحانه پی برده ولی در مقابلش راه-حلی رانندیده ونمی دانده با بدبختی داشت. تشکیلات ومبارزات مخفی و مسلح اولین چیزهایی بود که ذهن بسیاری از روشنفکران وجوانان انقلابی ما را در آن زمان مشغول می نمود و رفیق ما هم از جمله آنها بود. بهمین جهت زمانی که یک جریان مذهبی (حزب ملل اسلامی) در این زمان با هدف سرنگونی قهرآ میز رژیم شاه بوجود آمده بود و به پیشنهاد همکاری وعضویت میدید. او کویا گم شده خویش را در زمینه چگونگی مبارزه یافته وباعشق ونورفروان به این گروه می پیوندد. مدت زیادی نمی گذرد که این گروه هم مانند بسیاری از گروههای آن زمان بدلیل ضعف ونیود تجربه سیاسی ونداشتن تفکر و اسلوب علمی مبارزه. به توریلیس افتاده. و تمام اعضای آن دستگیری شوند و رفیق ما هم در آن نامه سال ۴۴ دستگیر و در دادگاه به دو سال زندان محکوم می شود. زندان فرصت مناسبی برای آشنائی بسا مسائل سیاسی ومبارزاتی برای او فراهم میکند. رفیق در سال ۴۶ با عزمی راسخ تراز گذشته در مبارزه علیه رژیم شاه از زندان آزاد میشود. بلافاصله بعد از آزادی علیرغم اینکه مستقیم وغیر مستقیم از طرف ساواک تحت نظر قرار میگرفت. رفیق با استفاده از تجربیات گذشته در زمینه مخفی کاری. به اتفاق دو نفر از همزمان سابقش. گروهی مذهبی بنام "حزب الله" را پی ریزی می نمایند. این گروه بعد از نیمه دوم سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران می پیوندد. وزندگی مخفی رفیق از همین زمان آغاز می شود.

در درون سازمان مجاهدین خلق رفیق از جمله رزمندگان پرشور و فعال بود. از عملیات نظامی مهم رفیق در این دوره شرکت در یک خلع سلاح ناموفق و سپس فرار از جنگ پلیس ودیگری اعدام انقلابی سرشید سعید ظهری افسر جنا بتکار رژیم شاه بود که به اتفاق شهید محمد مفیدی انجام دادند. این عملیات که در آن یکی از منفورترین افسران جنایت-کار رژیم شاه که دستش بخون صدها نفر از هموطنان ما آغشته بود ونش فعالی در سرکوب قیام ۱۵ خرداد داشت. مورد استقبال وسیع نوده‌های خلق ما قرار گرفت. رفیق بدلیل حساسیتی که بخصوص بخاطر شرکت در این اعدام انقلابی نسبت به او داشتند. به شدت خانوادگی مورد تعقیب پلیس وسواواک قرار گرفته بود.

رفیق علیرضا در طی ۷ سال کار مخفی وزیر-زمینی چندین بار از جنگ مزدوران ساواک و پلیس آریا مهی فراری می نماید. رفیق در طی دومسافرت به خارج در رابطه با ما موریت های سازمانی چهار

بار از مرز گذشته ودر طی این مسافرت های یکبار در مرز ایران توسط زاندارمری با هویت جعلی دستگیر می شود که با طرح حمل های مناسب آزادی می شود و بار دیگر در افغانستان در رابطه با هویت جعلی در زمان داودخان دستگیری شود و بعدت یکماه در آنجا زندانی میشود. رفیق بعداً با طرح حمل مناسب از زندان آزاد و تحت نظر رسمی قرار میگیرد. و با استقاده از فرصت مناسبی فراری می نماید.

واما ایدئولوژی وتفکر سازمان مجاهدین خلق ایران که توسط بنیانگذاران اولیه آن تدوین شده بود. چیزی بود که از همان ابتدا رفیق ما بسا توجه به روحیه فداستیماری وفداستیماری از یک طرف وداشتن طرز تفکر مذهبی از طرف دیگر به دنبال می گشت واز این جهت این سازمان در آن شرایط زمینه رشد خوبی از نظرایدئولوژیک برایش فراهم می کند. ولی تفکر وایدئولوژی مجاهدین علیرغم تمامی گیرایش در سیستم فکری مذهبی هرگز نتوانست جلوحرکت او را گرفته وبه بند بکشد. وسرانجام رفیق با توجه به تمامی شناخت و تحاربی که در مبارزه چندین ساله خود علیه امپریالیسم و شاهان و علیه استثمار بدست آورده بود راهی واقعی طبقه کارگر و زحمتکش را در مارکسیسم-لنینیسم یافت وبه آن

گروید. رفیق در دیماه ۵۳ در رابطه با مسئولیت های تشکیلاتی بطور مخفی به خارج کشور رفت و در اینجا بود که در مرز افغانستان دستگیر و مدت یکماه زندانی گردید و سپس موفق گردید پس از فرار از جنگ ما مورین دولت داودخان از این کشور مخفیانه خارج گردد. رفیق در طی سالهای که در خارج کشور بود از نزدیک در لبنان و عمان شاهد مبارزات عادلانه خلقهای فلسطین و عمان بود. وحای حقیقی خود را در خارج کشور نه در کناره فرصت طلبان ودلالان سیاسی بلکه در رابطه با فعالیت های تدارکاتی سیاسی و تبلیغی سازمان در کناره این خلقها ونوده های انقلابی دانشجویان ایرانی می یافت.

در شهریورماه ۵۶. همزمان با اوچگیری مبارزات نوده‌ها ومبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان رفیق مخفیانه واز مرز ترکیه وارد ایران گردید. واز این پس رفیق در هدایت وگسترش مبارزه ایدئولوژیک "مبارزه با سیاستها ونظرات وافکارنا درست در درون سازمان" علیه رهبری سابق وانحرافات آن وهمچنین انتقادات مشی چریکی (مبارزه مسلحانه جدا از نوده) نقش فعال وتعمین کننده ای بازی کرد و سهم مهمی در تغییر وتحوالات نوین سازمان زدودن آثار وعواقب انحرافات گذشته سازی نمود. در جریان پیشرفت مبارزه علیه نظرات گذشته وهنگامیکه بسیاری از عملکردهای نامصحیح گذشته افشا وطرز دیگری دور رهبری سابق از سازمان اخراج شد و زمانیکه سازمان بهیکارسمت به شمره تلاش بزرگی کورفقای سازمان از یکسال ونیم قبل در درون بخش منتش شروع کرده بودند اعلام موجودیت کرد. رفیق در کناره دیگر رقابتش بقابلت مبارزاتی خود در درون سازمان بهیکارادامه داد.

★ ★ ★

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

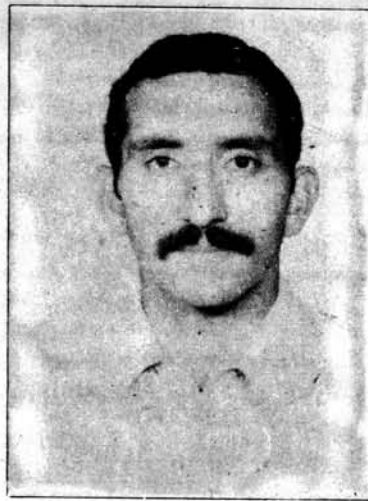
رفیق مرتضی آلاپوش در سال ۱۳۲۴ در بیس خانواده متوسط متولد شد. از سالهای ۳۲- ۳۰ و هم- زمان با نهضت ملی شدن نفت در خانواده او یک جنبه سیاسی ضد سلطنتی حکمفرما بود و در همان خانواده بود که کم و بیش با مبارزات خلق آشنا شد. در سالهای ۴۲- ۳۹ که در دبیرستان علوی تهران در سن می خواند به طور فعال در جریان مبارزات توده ها شرکت داشت. او در تجربه خویش به یوچی شعراهای اصلاح طلبانه و امیدهای واهی ای که برخی از اقشار متوسط جامعه به مبارزات و احزاب آن روز بسته بودند پی برد و مطالبات و جستجوی خود را برای یافتن راه درست مبارزه ادا می داد. در سال ۱۳۴۳ در رشته طراحی دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد. ولی او بهیچ وجه نمی توانست درس خواندن در چنان شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنایی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان درآمد. پس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از کادرهای فعال این سازمان به مبارزه خود ادا می داد. دو سال و نیم زمامت فعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که در پائین سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در پیدادگاههای رژیم شاه به ۶ سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جستجوی هر چه بیشتر راه حلها ی بنیادی مشکلات جامعه دست برنداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان مارکسیسم- لنینیسم، این تنها ایده- لژی رهائی بخش طبقه کارگر را پذیرا شد. هنگامی که رفیق در زندان بود رژیم شاه خائن ۴ تن از اعضای خانواده وی را به نهادت رسانید (دوبرادر و یک خواهر و همسر برادر). پس از ۶/۵ سال زندان در او خراسان ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان پیکار پیوست و به مبارزه خود برای آزادی کامل خلقها از قید امپریالیسم و حاکمان داخلی آنها و رهائی طبقه کارگر از قید استعمار ادا می داد.

پیام رادیوئی رفیق مرتضی (حسین) آلاپوش در جریان انتخابات مجلس خبرگان

کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران! ...
با توجه به اینکه دولت حاکم یک دولت سرمایه دار است و نمیتواند خانی و حافظ منافع زحمتکشان باشد از این- رو مجلس خبرگان که توسط این دولت تشکیل میشود نمی- تواند منافع مردم زحمتکش را تامین کند. با توجه به این مسئله ما در این انتخابات شرکت نکرده ایم تا در مورد این ماده با آن ماده پیش نویس قانون اساسی بحث کنیم. بلکه نظرم آن این است که سرمایه خود را برای مردم زحمتکشان میهنمان توضیح دهیم؛
ما خواهان چه جامعه ای هستیم؟
بطور خیلی ساده ما خواهان جامعه ای هستیم که در آن برابری کامل باشد. بولدار و فقیر وجود نداشته باشد. اینطور نباشد که یک عده مثل کارگران و دهقان- بان کار کنند، زحمت بکنند و جان بکنند و یک عده

پیش برد. همچنین بعدها رفیق در کارخانه کفش وین نیز مدتی کار کرد. این سه کارخانه از جمله موسساتی بودند که در آن سرمایه داران حداکثر استفاده را از نیروی کار زنان می نمودند و توجه به همین ویژگی کارخانه، رفیق امکان یافت که هر چه بیشتر مسائل و دردها ورنجهای زنان کارگر در کارخانه آشنا گردد. و حقیقت ستم دوگانه ای را که در اجتماع طبقاتی نسبت به زنان اعمال می گردد، بطور عینی و در محیط کارخانه لمس نماید. این دوره برای رفیق درسیهای زیادی به همراه دارد. و بر اساس همین درس- هاست که او امروز یکی از اعضای فعال سازمان در زمینه کار سیاسی - تشکیلاتی در بین زنان میباشد. رفیق مهتری حیدرزاده در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان و تصحیح مضمون سیاسی یکی از اعضای فعال سازمان بود و با مطالعه و کار رشتوریک جدی از یک طرف و استفاده از تجارب کار در میان کارگران توانست در دردمندی جریکی و رسیدن به مضمون انقلابی - توده ای و اینکه نه با مبارزه مسلحانه عده ای جوان انقلابی و فداکار بلکه با جنگ و قیام مسلحانه توده ای است که میتوان رژیم وابسته شاه را نابود ساخت. نقش داشته باشد.

رفیق پس از طی مبارزه ایدئولوژیک درونی و اعلام موجودیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به مبارزه دیگریانه خود در راه آزادی تمامی خلقهای ایران از تسلط امپریالیسم و حاکمیت اربابان و آزادی طبقه کارگر از استعمار ادا می داد.



۳- رفیق مرتضی (حسین) آلاپوش

بسیاری از هموطنان ما به زندگی مبارزاتی این پیکار رجوی انقلابی آشنایی دارند. زندگی سرشار از مبارزه سرخستانها و با رژیم جنایتکار شاه و تجاری که از این رهگذر بدست آورده، او را بعنوان یک انقلابی صریح، متواضع و وفادار به آرمان طبقه کارگر و رهائی زحمتکشان در آورده است.



۲- رفیق مهتری حیدرزاده

رفیق مهتری حیدرزاده در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۳ در تهران و در یک خانواده نسبتاً مرفه متولد شد. دوران دبیرستان با مطالعه کتبهای سودمند و با در جریان قرار گرفتن اخبار مربوط به شکنجه و قتل سیون در زندان و ... ذهن او متوجه مسائل سیاسی گردید. هنگامیکه رفیق در سال ۵۲ در رشته زیست- سنی دانشکده علوم دانشگاه تهران قبول و وارد دانشگاه گردید اما مکانات سیستمی برای دنبال کردن مسائل سیاسی و ساختن بیشتر از او احوال جامعه برایش فراهم نکند. در همین زمان بود که او با رفیقی از یک محفل مارکسیستی - لنینیستی آشنا شد و به سرعت توانست با مطالعه کتبهای سیاسی - انقلابی و آشنایی با دردها ورنجهای زحمتکشان، شناخت لازم را برای شروع مبارزه جدی علیه رژیم شاه و امپری- بالیسم پیدانماید. در سال ۵۴ محفلی که رفیق در آن فعالیت داشت توانست با بخش منسب از سازمان مجاهدین خلق شماس برقرار نماید. از این پس رفیق زندگی عیسی را رها کرد و به همراه رفیق همسرش و دیگر رفقای محفل در سازمان عضویت پیدا کرد. در ابتدا او بمدت کوتاهی در درون ساختن نظامی در کنار رفیق شهید منیر زاهدی فعالیت میکرد، سپس در بخش کارگری سازمان مشغول فعالیت گردید، گرچه در آنزمان بدلیل حاکمیت مضمون نادرست، رفقها از فعالیت خود در درون طبقه کارگر، بازدهی زیادی نمی توانستند داشته باشند، ولی رفیق با جدیت تمام مسئولیت های محوله را در این رابطه میپذیرفت و به پیشبرد خط سازمان در این رابطه کمک می نمود در این دوره رفیق ابتدا تحت مسئولیت رفیق شهید جمال شریفزاده، شیرازی و پس از شهیدان رفیق جمال در یک جمع دیگر کارگری فعالیت می نمود.

در رابطه با وظایف تشکیلاتی در شاخه کارگری رفیق مهتری حیدرزاده مدتی در کارخانه قهقهه زیبا و کارخانه کفش ملی کار کرد و بدین ترتیب امکان یافت که با دردها ورنجهای کارگران از نزدیک آشنا گردد و وظایف محوله را در میان این رنجبران به

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بلکه ما را که از منافع زمینکنان دفاع میکنیم، متهم به اخلاگری میکند و بنا میگوید اخلاگر به کمونیستها تهمت میزند و اجازه نمی دهد تا از خود دفاع کنند. ولی ما کمونیستها آطور نیستیم که مخالفین ما می گویند و آنها شبکه آگاهی کافی ندارند باور میکنند. مخالفین ما به ناروا می گویند که کمونیست ها می خواهند زنان را اشتراکی کنند و فساد را رواج دهند. ایسن یک تهمت نادرست است. بعضی کمونیستها می خواهند هر گونه فساد را از بین ببرند و زنان هم با مردان مساوی باشند. آنها می گویند کمونیستها می خواهند با خدا محاربه کنند. در صورتیکه مسئله این نیست و همانطور که گفتیم کمونیستها خواهان آزادی عقیده و سرام و مذهب برای همه هستیم. بعضی ها می گویند درست است که کمونیستها رفاه مادی، نان، مسکن، کار و غیره را برای همه فراهم میکنند، اما در جامعه کمونیستی از معنویات خبری نیست. این هم نادرست است. در جامعه کمونیستی معنویات از همه بیشتر است. فرهنگ و آموزش برای همه رایگان است. هنر و ادبیات و دیگر عوامل معنوی از همه بیشتر رشد میکنند.

بعضی ها میگویند کمونیستها وابسته به کشورهای خارجی و بخصوص وابسته به روسیه هستند. این هم درست نیست. کمونیستهای واقعی فقط به زمینکنان و بخصوص کارگران تکیه دارند.

اگر از این آدمها بپرسید دلیل و مدرکشان چیست جزبی را مثال می آورند که به ثوروی وابسته بوده و می گویند این حزب می خواهد ایران را به ثوروی وابسته کند. ولی این مطلب ربطی به کمونیستهای واقعی ندارد کمونیستهای واقعی با هر نوع وابستگی، بهر کس که باشد، چه آمریکا و چه روسیه و چه هر دولت دیگر، کاملاً و جداً مخالفند. کمونیستهای واقعی با هر کس که خواهد ایتران را وابسته کند، مخالفند و با او مبارزه میکنند. یکی از دلایلی که کمونیستها دشمن سرخاسته شاه بودند و شاه خائن هم البته دشمن کمونیستها بود، همین بود که شاه، ایران را به آمریکا وابسته کرده بود. بطور کلی دو دسته افراد این اتهام ها را به کمونیستها میزنند. یک دسته آنهاست هستند که منافع شان، با خواستهای کمونیستها، به خطر می افتد، یعنی مغنورها و سرمایه داران و عمال آسیا و دسته دیگری آنها شبکه آگاهی ندارند و کمونیسم را نمی شناسند و هرچه دشمنان کمونیسم گفته، آنها هم باور کرده اند و تکرار میکنند.

بسی از این فرصت نیست که در مورد نظرات خود - ما توضیح دهیم و اگر فرصت دیگری بدست آید دنباله برنامه ما همان را توضیح خواهیم داد. به امید پیروزی نهایی کارگران دهقانان، زمینکنان و خلفهای قهرمان ایران

قسمتهایی از پیام تلویزیونی رفیق آدادبوش

در جریان انتخابات مجلس خبرگان

درد به شهادی راه آزادی، کارگران، زمینکنان و خلفهای قهرمان ایران..... تلویزیون شما دقیقه وقت داده تا برای اولین و آخرین بار نظراتمان را بیان کنیم. آیا بنظر شما فقط طرفه دقیقه میتوان نقطه نظرها و برنامه های خود را توضیح داد؟.....

آیا رادپو تلویزیون بطور مساوی و به اندازه کافی در اختیار گروهها و سازمانها قرار گرفته است تا عقاید و نظرات خود را برای مردم توضیح دهند؟ و یا فقط در انحصار گروه خاصی قرار داشته است؟

برای ظاهر به اینکه انتخابات آزاد است و امکان - نات تبلیغاتی برای همه یکسان، در آخرین دفاعیست نزدیک به زمان انتخابات، دقیقه وقت در اختیار کاندیداها قرار داده و گفته اند نظراتن را بیان کنید، مسئولین امر از مدتها قبل ذهن مردم را نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی مسموم کرده اند. آیا با توجه به این مسئله، این انتخاباتی آزاد است؟ با توجه به اهمیتی که انتخابات و تدوین قانون اساسی دارد، آیا شما مردم مبارز با نظرات و عقاید گروههای مختلف به اندازه کافی آشنا شده اید که به آنها رای دهید؟ آیا در شرایطی که عناصر شناخته شده

دیگر مثل سرمایه داران بدون اینکه به خودشان رحمی دهد از حامل کار زمینکنان استفاده کند. بعضی ما مخالفان استعمار هستیم. ما میخواهیم مسکن، رفاه، فرهنگ، بهداشت، تفریح و خلاصه همه جز منطبق بهمه باشد.

ما میخواهیم دزدی و فساد و فحشا از بین برود. مسکن است یا گویند که همه کس همسین حرفها را میگوید، سرفروشا ما آنها چیست؟ جواب ما روشن است. ما منگوشیم تا وقتی سرمایه داری هست، فقر هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ظلم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ستم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ارتس و پلیس و زندان و سرکوب هم هست. و بالا - خرد تا وقتی سرمایه داری هست، بیماری، دزدی، فحشا، فساد و خلی چیزهای دیگر هم هست. تازه از همه آنها گذشته در ایران، تا وقتی سرمایه داری هست، وابستگی هم هست و ما همیشه محتاج به خارج هستیم و سرمایه داران بزرگ دنیا، یعنی همان امپریالیستها منافع ما را غارت میکنند. و زمینکنان ما را هم استعمار میکنند و نمی گذارند ما آزاد و مستقل باشیم. تا این جهات است که ما منگوشیم که جامعه را باید از این تغییر داد و جامعه ای ساخت که در آن سرمایه داری حاکم نباشد.

جامعهای که ما خواهان آن هستیم جامعه سوسیالیستی است. یعنی ما میخواهیم نحای سرمایه داری سوسیالیسم باشد. در جامعه سوسیالیستی دیگر این سرمایه داران و سرزمندان نیستند که حکومت میکنند. بلکه کارگران و زمینکنان حکومت را در دست دارند.

در جامعه سوسیالیستی همه برادرانه کار میکنند و یکدیگر را در برهه میبرد و کسی گرسنه و بیکار نمماند.

در جامعه سوسیالیستی، همه از رفاه، بهداشت، فرهنگ و مسکن استفاده میکنند. در جامعه سوسیالیستی همه زمینکنان و کارکنان جامعه، از آزادی کامل برخوردارند. هر عقیده و مذهب و مرامی آزاد است و هیچکس را بخاطر عقیده اش اذیت نمیکند و مورد آزار قرار نمیدهند و سرکوب نمیکند. در جامعه سوسیالیستی کسی از دزدی و فساد و فحشا، خبری نیست، چسبون غلبه همه اینها فقر است. و وقتی دیگر کسی فقیر نباشد و آموزش هم برای همه رایگان باشد، دلیلی ندارد که به این نوع کارها رو بیاورد. چون برای همه کس امکان کار تراختمندانه وجود دارد.

وقتی جامعه سوسیالیستی پیشرفت زیاد کرد، وقتی دیگر شعور و آگاهی مردم بالا رفت، وقتی صنعت و کشاورزی پیشرفت کرد و دیگر استعمارگر و استثمار - کننده وجود نداشت، وقتی جامعه آنقدر جلو رفت و پیشرفت کرد که هر کس به اندازه توانائی اش کار کند و بگذرد آنچه اجتناب از تولیدات جامعه استفاده کند، آن - وقت ما می گوئیم که جامعه اشتراکی یا کمونیستی است.

البته ما می دانیم که ساختن جامعه سوسیالیستی و جامعه سی طبقه کمونیستی، که در آن همه با هم برابر باشند و از ظلم و جور و فساد و غیره خبری نباشد کار امروز و فردا نیست، احتیاج به وقت و کار زیاد دارد و به خصوص احتیاج دارد که زمینکنان و بخصوص کارگران که سارنده جامعه سوسیالیستی هستند، خوب آترابشناسند. در مرحله کنونی که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم و وابستگی مردود داخلی آن میباشد برنامه حداقل ما قطع کامل سلطه امپریالیسم در زمینه های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، معادله سرمایه های خارجی و وابسته، لغو قراردادهای ظالمانه با کشورهای امپریالیستی و سلطه طلب، معو کامل بقایای فئودالیسم و سپردن زمین به دهقانانی که روی آن کار میکنند، شرکت کارگران در اداره و نظارت، مساوات تولیدی، سرکوب کامل ضد انقلاب و بقایای آن، برسمیت شناختن حقوق ملی خلقهای کرد، ترک، عرب، بلوچ و ترکمن،

تأمین حقوق و آزادیهای اساسی زمینکنان مانند حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها و اتحادیه ها، نظرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذاهب است که پیروزی این برنامه مستلزم استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، یعنی حکومت کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق به رهبری طبقه کارگر است.

اما دولت کنونی نه تنها این کارها را نمیند

- ای که مردم ناآگاه را تحریک میکنند تا اعلامیه ها و تراکت های انتخاباتی کمونیستها و نیروهای انقلابی را پاره کنند و کسانیکه این نشریات را پخش میکنند به وسیله کمیته ها دستگیر و کتک میخورند. آزادی انتخاب - بائی میتواند معنایی داشته باشد؟ نه به نظر ما این انتخاب در شرایطی کاملاً غیر دموکراتیک برگزار میشود. اما این شیوه های هبنت حاکمه از سیاست هائی که تا کنون در پیش گرفته است جدا نیست. حمله به اجتماعات و میتینگها بوسیله عده ای چاقو بدست و عناصر ارتش با سکوت دولت مورد تاشید قرار گرفته و روز - نامه هائی که حقایق را بازگو میکنند شدیداً تحت فشار قرار گرفته اند به کتاب فروشی ها و روزنامه فروشیها حمله میکنند و روزنامه و کتابها را پاره پاره کرده و به آتش میکنند. مسئولین امر در این مورد چه کرده - اند؟ هیچ!

این است معنی آزادی؟

آیا کارگران حق اعتصاب دارند؟ یا اعتصابات آنان با یورش و تهاجم افراد مسلح روبرو میشود؟ اگر حق اعتصاب دارند چرا کارگران پارس مینو را به مسلسل میبندند؟ نیروی ویژه که همان اداره حفاظت سابق است و کارگران بخوبی آن را میشناسند در کارخانه ها برای چه تشکیل شده؟ برای حمایت از کارفرمانا کارگران را سرکوب کنند؟

آیا کارگران حق نظرات برای رسیدن به حقوق حقه خود را دارند؟ اگر دارند پس چرا احتضار کار - گران بیکار امفهان را به گلوله بستند و نامرتوبقیان را شهید کردند؟

چرا دولت در برابر این فاعه سکوت کرد؟

دهقانان چطور؟

نیروهای دهفانی محدود و سرکوب میشوند.

چرا نماینده دهقانان زمین را محاصره کنید که خود بروی آن کار میکنند؟

چرا دهقانان باید توسط بانک ها و پیش خرها مورد ستم قرار گیرند؟

دولت با خلقها چه کرده است؟

خلق کرد و ترکمن در اولین بهار به اصطلاح آزادی سر - کوب شدند و دولت در مدد است که شهرهای کردستان را زیر حکومت نظامی درآورد. آیا این است معنای آزادی و حاصل قیام یکسال و نیمه خلق مبارز ایران؟

می بینیم که دولت نه تنها به خواست اکثریت مردم، ما پاسخ نداده است بلکه در مقابل به بازسازی ارتش، زاندارمیری و شهرهای توسط فرماندهان سابق دست زده، رکن و سازمانهای اطلاعاتی را که عملاً کار ساواک را انجام میدهند دوباره بازسازی کرده و

نیروهای انقلابی را دستگیر و شکنجه میکند. چرا دولت بجای دفاع از منافع اکثریت تنها به فکر اقلیتی از سرمایه داران و خانها و فئودالها است؟ چون دولت، حامی سرمایه داران حتی سرمایه داران بیگانه برست میباشد و قصد ندارد و نمی خواهد دست امپریالیستها را از ایران کوتاه کند.

اما ما خود چه می گوئیم؟ ما میگوئیم باید دست دشمن اصلی ما یعنی امپریالیستها از ایران کوتاه شود. ما می گوئیم باید از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از زیر ستم بیگانگان خارج شویم.

ما می گوئیم: باید سرمایه های سرمایه داران وابسته را معادله و ملی کرد و اداره کارخانجات را به نیروهای کارگری سپرد.

ما می گوئیم، باید زمین های آریایی را بین دهقانان تقسیم کرد، باید کلیه دیون کشاورزان را لغو نمود. باید در دهات تمام امکانات رفاهی را بوجود آورد.

ما می گوئیم باید حقوق خلق کرد، عرب، ترکمن و بلوچ را در چارچوب ایرانی دموکراتیک و آزادی به رسمیت شناخت.

ما می گوئیم باید حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها و نظرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذاهب تأمین شود.

ما می گوئیم برای اینکه سنوانیم چنین کارهای را انجام دهیم باید کارگران و زمینکنان خود حکومت را در دست بگیرند.

وقت من بیهان رسید ■